

## زیستن به عنوان شهروندان دو تابعیتی

نوشته‌ی: جاستین تیلور

به دام انداختن عیسی در معماهای پیچیده‌ی اخلاقی یا الاهیاتی آسان نبود. اما این مانع رهبران یهود نمی‌شد که تلاش خود را نکنند. عیسی این را آشکار کرده بود که پادشاهی او «از این جهان» نیست (یوحنا ۱۸: ۳۶). پادشاهی او، که تحقیقا برای آینده‌ای است که خواهد آمد، وارد این جهان و این زمان حاضر شده بود. از این رو، یهودیان در این گمان بودند که، پادشاهی او چگونه در ارتباط با تاسیسات یا نهادهای حاضر زمان ما قرار می‌گیرد، مانند خانواده و کشور؟

در لوقا فصل ۲۰، صدوقیان یک سوال خانوادگی را بر او تحمیل می‌کنند، بیان یک حالت گمانی درباره‌ی ازدواج پس از مرگ درباره‌ی بیوه‌ای که ازدواج مکرر داشت. عیسی اینگونه پاسخ می‌دهد: «ابنای این عالم نکاح می‌کنند و نکاح کرده می‌شوند. لیکن آنانی که مستحق رسیدن به آن عالم و به قیامت از مردگان شوند نه نکاح می‌کنند و نه نکاح کرده می‌شوند.» (لوقا ۲۰: ۳۴-۳۵). خانواده یکی از احکام پایدار خلقت است، اما پادشاهی‌ای که خواهد آمد بر پایه‌ی اصول متفاوتی عمل می‌کند.

وقتی کاتبان و رهبران یهود از عیسی پرسیدند که آیا درست است که به قیصر مالیات بپردازند، عیسی از آنها خواست تا دیناری را به او نشان بدهند. نقش و تصویر چه کسی بر روی آن بود؟ وقتی آنها گفتند «قیصر»، عیسی اینگونه نتیجه‌گیری کرد: «پس مال قیصر را به قیصر رد کنید و مال خدا را به خدا» (لوقا ۲۰: ۲۲-۲۵). به نحوه معترضانه‌ای، عیسی به گونه‌ای جدی اقتدار قیصر را محدود کرده و اقتدار بی‌پایان خدا را نشان می‌دهد. تصویر روی دینار گویای این بود که آنها به قیصر مالیات بدهکار بودند، اما تصویر خدا، که بر ذات انسان حک شده است، گویای این است که تمام زندگی خود را به خالق آسمان و زمین بدهکاریم. دولت یکی از احکام پایدار خلقت است، اما پادشاهی‌ای که خواهد آمد بر پایه‌ی اصول متفاوتی عمل می‌کند.

## شهر خدا و شهر انسان

در قرن پنجم، آگوستین شهر خدا/ را نوشت، شاهکار عظیم الاهیات سیاسی او که در آن *civita Dei* (شهر خدا) را با *civitas terrena* (به معنای دقیق، شهر دنیا) مقایسه کرده است. عموم مردم، به طور گسترده‌ای آگوستین را درست درک نکرده‌اند و گمان می‌کنند که او درباره‌ی زیستن در شهر خدا مانند زیستن در بهشت در مقایسه با شهر انسان مانند زیستن بر روی زمین در دنیای جسمانی سخن گفته است. اگر بخواهیم اینگونه آن را درک کنیم، ما اعضای هر دو شهر انسان و شهر خدا هستیم. اما در حقیقت، آگوستین درباره‌ی دو جامعه یا گروه انسان‌های همفکر سخن گفته که رویا و دیدگاه‌های آنها در خصوص بهشت و زمین در رقابت است. شهر

انسان - این خیلی حیاتی است - با خلقت آغاز نمی‌شود بلکه با سقوط. امیال و برنامه‌های آن عمیقاً بی‌نظم، هدایت شده در محبت به خود و نه خدا، و بر اساس اصول جسم فعالیت دارد و نه بر اساس روح. نجات‌یافتگان، آنانی که به شهر خدا راه یافته‌اند، در اشتیاق به خدا به عنوان اوج خوبی هستند و هر چیز دیگری را در حول محبت به او در حرکت دارند. به عنوان مسیحیان، ما در میان شهر انسان ساکنیم اما متعلق به شهر خدا هستیم.

### در، اما نه از

الگوی آگوستین ریشه‌های عمیق کتاب مقدسی دارد. همانطور که ما در این دنیا به سر می‌بریم، در می‌یابیم که «در اینجا شهری باقی نداریم» (عبرانیان ۱۳: ۱۴)؛ مانند ابراهیم، در پی «شهری... که معمار و سازنده‌ی آن خداست» (عبرانیان ۱۱: ۱۰) هستیم. و با اینحال، هرچند مانند «غریبان و بیگانگان» هستیم (اول پطرس ۲: ۱۱)، که هیچ جایی را بر روی زمین خانه‌ی خود نمی‌دانیم، همچنین اینگونه فرمان داده شده‌ایم که «سلامتی آن شهر را که شما را به آن اسیری فرستادم بطلبید و برایش نزد خداوند مسئلت نمایید» (ارمیا ۲۹: ۷). ما «از جهان» نیستیم اما بدون هیچ کاستی «در دنیا هستیم» و عمیقاً به عنوان نمایندگان و ماموران مسیح «به دنیا» فرستاده شده‌ایم (یوحنا ۱۷: ۱۵-۱۶ و نک. اول قرن‌تیاں ۵: ۹-۱۰). ما می‌بایست توسط کلام تبدیل گردیم به جای اینکه مطابق با دنیا شویم (رومیان ۱۲: ۲). می‌بایست خودمان را از «آلایش دنیا» پاک نگه داریم (یعقوب ۱: ۱۷) - و با این حال می‌بایست در میان فرهنگ تاریک و پوسیده‌ی اطراف خود (نک. فیلیپیان ۲: ۱۵) مانند نمک مزه و مانند نور روشنایی داشته باشیم (متی ۵: ۱۳-۱۶).

### دو شهروندی

یکی از اصطلاحات کتاب مقدس در خصوص رابطه‌ی بین ما با عصر حاضر و عصر آینده، عبارت شهروندی است. شهروندی یک حالت قانونی است که به صورت رسمی شناخته شده و شخصی را شهروند می‌گرداند - که آن، به صورت کامل و فعال عضو یک سیویتاس (شهر) گشته، یک جامعه‌ی اجتماعی و سیاسی، به همراه امتیازات و وظایفی که با آن می‌آید. بر خلاف شخصی که به طور رسمی یک برده در یک پادشاهی است، یک شهروند در جامعه همکاری می‌کند تا کمکی در راستای نظم و اصول مدنی آن باشد. در کتاب اعمال رسولان، می‌بینیم که پولس رسول نه تنها مقام شهروندی خود را به روم اعلام می‌کند بلکه به طور جدی از آن استفاده می‌کند. وقتی افسر به پولس و سیلاس گفت که حاکم وقت اجازه داده که در سکوت آنها را از زندان آزاد کند، پولس عصبانی شد: «ما را که مردمان رومی می‌باشیم آشکارا و بی‌حجت زده به زندان انداختند، آیا الان ما را به پنهانی بیرون می‌نمایند، نی بلکه خود آمده ما را بیرون بیاورند» (اعمال ۱۶: ۳۷). در اعمال فصل ۲۲، پولس رسول در مخالفت با شلاق خوردن، با پرسیدن این سوال

ساده از افسر رومی، اعتراض می‌کند: «آیا بر شما جایز است که مردی رومی را بی‌حجت هم تازیانه زنید؟... اما من در آن مولود شدم» (آیات ۲۵ و ۲۸). در هر دو حالت، عکس‌العمل از جانب حاکمان رومی یک ترس واقعی بود، برای اینکه آنها ناعادلانه حقوق یکی از شهروندان خود را زیر پا می‌گذاشتند (اعمال ۲۱: ۳۸-۳۹؛ ۲۲: ۲۹).

هر چند پولس شهروندی روم را به واسطه‌ی گذشته‌ی خانواده‌ی خود دریافت کرده بود، او یک نوع شهروندی دیگری را نیز صاحب بود. در نوشته‌ی خود به کلیسای فیلیپی، او می‌گوید برای مسیحیان، «وطن ما در آسمان است» (۳: ۲۰). عیسی فرمود که پادشاهی او از این دنیا نیست (یوحنا ۱۸: ۳۶). وقتی ما تولد تازه یافتیم و به فرزندخواندگی خانواده خدا در آمدیم، ما وارد یک پادشاهی تازه می‌شویم و خود را تسلیم به یک پادشاه تازه می‌کنیم، با در نظر داشتن اینکه «از قدرت ظلمت رهاشده به ملکوت پسر محبت خود منتقل ساخت» (کولسیان ۱: ۱۳).

### چهار راه برای زندگی کردن آن

اکنون وقتی در پی این هستیم که وفادارانه این دو شهروندی خود را زندگی کنیم، چهار مورد وجود دارد.

۱- *حاکمیت خدا را مافوق بر همه چیز تشخیص دهیم، هرچند او نهادهای متفاوتی را به راه‌های متفاوت فرمان می‌راند.* مسیح هم در آسمان و هم بر زمین اقتدار دارد (متی ۲۸: ۱۸)، اما با توجه به سقوط انسان، او بر امور موقتی این عصر حاضر حکم می‌راند (از جمله نهادهای بنا شده‌ی خانواده و کشور) متفاوت‌تر از آنچه او بر کلیسا حاکمیت دارد. دولت در این عصر قوانین را با زور شمشیر اجرا می‌کند، فرامین را به واسطه‌ی اجبار قانون پیاده می‌کند؛ اما در جهت دیگر، پادشاهی خدا، به واسطه‌ی قدرت روح پیش می‌رود، بار آورنده‌ی یک تبدیل برای قوم خدا به واسطه‌ی بشارت انجیل در همکاری دائمی در تمامی معنا و مفهوم فیض می‌باشد.

۲- *این را درک کنیم که چون شهروندی زمینی ما غایت و هدف نهایی نیست، آن را بی‌اهمیت نمی‌سازد.* آن اموری که موقتی و گذرا هستند می‌توانند تفاوت فاحشی ایجاد کنند. پولس می‌دانست که درخواست خود در خصوص شهروند روم بودن را به نزد اولیای امور آوردن مانند بشارت دادن انجیل به آنها نبود. اما امتیاز زمینی او هنوز مهم بود. قوانین خوب نمی‌توانند قلب‌ها را عوض کنند، با اینحال می‌توانند تفاوت بین مرگ و زندگی ایجاد کنند.

بله، نجات دادن جان به مراتب مهم‌تر از به انجام رسیدن یک نیاز موقتی است. از بین بردن عذاب ازلی به مراتب برتر از کاهش رنج‌های این عصر حاضر است. اما کتاب مقدس دقیقاً از ما نمی‌خواهد که مابین بشارت و دخالت در امور مدنی یکی را انتخاب کنیم، زیرا مسیح ما را به یک زندگی شاگردوار فراخوانده است که ما در ملاء عام خودمان را از آن او می‌دانیم و تعلیم او را دنبال کرده و هرآنچه که به ما فرمان داده است را اطاعت می‌کنیم (متی ۲۸: ۱۹-۲۰).

۳- به خوشی همه‌ی هدایای خدا را دریافت کنیم، از جمله فیض مشترک دولت یا حکومت را. این اشتباه نیست که یک حس خسته‌کننده یا ناامید داشته باشیم وقتی که می‌بنیم ملت‌ها شورش می‌کنند (مزمور ۲)، زیرا به معنای این است که دنیا بر اساس طرح اصلی داده شده‌ی خدا عمل نمی‌کند. اما نباید هرگز خوبی خدا را در تاسیس چنین مجموعه‌ای در این دنیای سقوط کرده‌ی خود فراموش کنیم. خدا حاکمان زمینی تعیین کرده است (رومیان ۱۳: ۱-۲) برای خوبی خود ما (آیه‌ی ۴)، و ما می‌بایست به آنها ارزش قائل شده و احترام بگذاریم (آیه‌ی ۷)، مهم نیست چقدر پلید باشند. حکومت یک هدیه از جانب خداست، اینگونه طرح‌ریزی شده تا خوبی را تشویق کرده و از آنچه بد است ممانعت کنند (آیات ۲-۴). یکی از دلایلی که ما برای سردمداران خود دعا می‌کنیم به این انگیزه است که یک حکومت طوری عمل کند که ما چنان شرایطی داشته باشیم که به ما اجازه دهند تا یک زندگی آرام و خداگونه داشته باشیم (اول تیموتائوس ۲: ۲).

۴- انگیزه‌های خدا را بر روی زمین برای اعلام شهروند آسمانی بودن خود درک کنیم. در یک بُعد، دنیا قادر به دیدن شهروند آسمانی ما نیست. آن مقامی است که توسط هیچ حکومت زمینی شناخته نشده است. زندگی ما «با مسیح در خدا مخفی است» (کولسیان ۳: ۳). به هر حال، خدا راهی را مقرر نموده است که شهروند بودن ما بتواند به طور علنی اینجا و هم اکنون، در زمان مابین دو آمدن مسیح، اعتراف شود. کلیسای عیسای مسیح - جمع پرستنده‌ی قوم خدا جمع شده دور هم در خانه‌ی خداوند در زیر حاکمیت خدا و همکاری‌کننده با معنا و مفاهیم فیض خدا - نمایانگر سازمان پادشاهی خدا در این دنیا است. شهروندان آسمان به کلیسای محلی خود بر روی زمین می‌پیوندند. به واسطه‌ی تعمید و عضویت، ما علنا نماینده بودن خود را در نشان دادن پادشاهی بیان می‌کنیم همانطور که ما بیان‌کننده و پرستنده‌ی پادشاه ازلی هستیم و دیگران را دعوت می‌کنیم که چنین کنند.

در زندگی امور بسیار مهم‌تری از نظم سیاسی و مشغولیات مدنی وجود دارد. به آسانی می‌توانند بت‌پرستی شوند، سرسپرده شدن به یک آرمان و هویتی که خارج از کتاب مقدس است. اما، همچنین خیلی هم آسان است که از وظایف و همکاری‌های خود به عنوان شهروند زمینی غفلت کنیم، بی‌علاقگی خود را با دلایل کتاب مقدسی عادلانه نشان دهیم که خود این خارج از کتاب مقدس است. هر سمت یا جهتی را قصد تاکید بر آن داریم، اجازه بدهید تا به خاطر بیاوریم که ما شهروند دو تابعیتی هستیم. به عنوان یک شهروند خوب - در هر دو محیط آسمانی و زمینی - بگذاریم تا شهرنشینی ما توسط انجیل تحول یافته و مطابق با کلام خدا باشد همانطور که ما دعاگویانه در پی درک این خواهیم رفت که، همسایه‌ی خود را محبت کنیم، و برای یک خوبی مشترک برای شهر خدمت کنیم همانطور که خودمان منتظریم و دیگران را به شهری دعوت می‌کنیم که از راه خواهد رسید.

جاستین تیلور، معاون ارشد در بخش نشر کتاب در انتشارات Crossway می‌باشد. ایشان ویراستار و کمک ویراستار کتاب‌های بسیاری بوده که می‌توان به The Final Days of Jesus اشاره کرد. می‌توانید از طریق شناسه [@Between2Worlds](#) او را در شبکه اجتماعی توئیتر دنبال کنید.

این مقاله در مجله [تیبل‌تاک \(Tabletalk\)](#) منتشر شده است.